مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
(از ص ۱۵۳ تا ص ۱۶۹)

شهر قدیم سیرجان در قرون ۷-۸ ه.ق با استناد به قراین تاریخی و یافته‌های سفالی

احمد سهرابی‌نیا
دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران
عابد تقوی*
استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

چکیده

یکی از شهرهای مهم و معتبر ناحیهٔ کرمان در قرون ۷-۸ه.ق شهر سیرجان بوده است که زیر نظر حکومت محلی قراختائیان و آل-مظفر اداره می‌شد. از این شهر نه‌تنها در بسیاری از منابع تاریخی سخن به میان آمده، بلکه طی چند فصل نیز کاوش‌های باستان-شناختی در بافت قدیم آن انجام پذیرفته است. در این میان، بیشتر مطالعات باستان‌شناختی در این شهر، محدود به اوایل دوران اسلامی تا دورهٔ سلجوقی بوده است. ازاین‌روی، هدف اصلی پژوهش حاضر بر این امر استوار است که جایگاه شهر در قرون ۷-۸ه.ق بر اساس شواهد تاریخی و باستان‌شناسی مورد ارزیابی قرارگیرد. این مقاله در روش با رویکرد توصیفی-تطبیقی و تحلیل تاریخی و نیز درگردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از شیوه‌های اسنادی و مطالعات میدانی درصدد است که به این پرسش پاسخ دهد که مهم-ترین تحولات تاریخی و باستان‌شناسی شهر سیرجان در قرون ۷-۸ه.ق چیست؟ با توجه به مطالعات انجام‌شده شهر در این دوره همچنان موردتوجه حاکمان مختلف بوده و به دلیل اهمیت آن، سازه‌های تدافعی مستحکمی دورتادور شهر ایجاد کرده بودند. هم-چنین با توجه به مطالعهٔ گونه‌های متنوع سفال‌های این دورهٔ شهر مشخص‌گردید که سیرجان همچنان از پویایی اجتماعی-اقتصادی برخوردار بوده و ساکنان آن طیف متنوعی از ظروف سفالین تولیدی منطقه و نیز مناطق گوناگون دیگر را استفاده می-کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهندهٔ وجود روابط تجاری گسترده با مراکز شهری مختلف داخلی و احتمالاً خارجی می‌باشد. ازجملهٔ سفال‌های استفاده‌شدهٔ این دورهٔ شهر نیز می‌توان به نمونه‌های‌شاخص زرین‌فام، سلطان‌آبادی، لاجوردینه و سلادن، اشاره‌کرد.

واژه‌های کلیدی: شهر قدیم سیرجان، دورهٔ ایلخانی، قراین تاریخی، شواهد باستان‌شناختی، یافته‌های سفالی

*رایانامه‌ی نویسنده مسئول: *Abedtaghavi@gmail.com*

۱. مقدمه

سیرجان یکی از شهرهای کهن ایران محسوب می‌شود که حداقل پیشینهٔ استقرار در آن به قبل از اسلام بازمی‌گردد(ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج۱، ۶۵). این شهر در طول قرون مختلف اسلامی همواره به‌عنوان یکی از شهرهای معتبر ناحیهٔ کرمان شناخته شده است؛ به‌نحوی‌که در یک بازهٔ زمانی حتی بزرگ‌ترین شهر ناحیهٔ کرمان و کرسی این منطقه نیز محسوب می‌شد.

در ارتباط با شهر قدیم سیرجان تاکنون علاوه بر اشارات منابع تاریخی، تعدادی پژوهش‌های باستان‌شناسی نیز صورت گرفته است که از اولین آن‌ها می‌توان به مطالعهٔ برخی آثار تاریخی شهر توسط جیبُنز[1] و کیت آبوت[2] و نیز سرتیپ سایکس[3]، اشاره کرد (گابریل[4]، ۱۳۴۸: ۳۲۷؛ سایکس، ۱۳۳۶ :۴۳۱). در سال ۱۹۷۰ میلادی نیز آندریو ویلیامسون[5] کاوش‌هایی را در سه کیلومتری شرق قلعه سنگ و در محدودهٔ شهر قرون اولیهٔ اسلامی سیرجان، انجام داد که بخشی از نتایج آن توسط ایشان و بعد از فوت وی توسط مورگان و لیسربای، به چاپ رسید (ویلیامسون، ۱۳۵۱ و *Morgan & Leatherby, 1987*). علاوه بر ایشان ورجاوند نیز در سال ۱۳۵۱ به مطالعهٔ قلعه‌سنگ پرداخته و در مورد منبر سنگی آن مقاله‌ای را منتشر کرده است (ورجاوند، ۱۳۵۱). در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ نیز حاتمی به بررسی و گمانه‌زنی شهر قدیم پرداخت که از نتایج آن تعیین حریم اولیه شهر بود (حاتمی، ۱۳۷۲ -۱۳۷۳). علاوه بر این، حاتمی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود و چند مقاله نیز مجدداً به سیرجان پرداخته و در مورد آن توضیحاتی را بیان نموده است (حاتمی، ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰). ازاین‌روی می‌توان ایشان را یکی از مهم‌ترین پژوهشگرانی معرفی کرد که بیشترین مطالعات را در مورد شهر قدیم سیرجان داشته‌اند. تحقیقات اخیر نیز به سال ۱۳۹۴ بازمی‌گردد که طی یک‌فصل امیرحاجلو در محدودهٔ قلعه‌سنگ کاوش‌های باستان‌شناسی انجام داد که حاصل آن تاکنون در قالب یک جلد گزارش باستان‌شناختی منتشر شده است(امیرحاجلو، ۱۳۹۴). همچنین، نتایج کاوش این محوطه در قالب دو مقاله از کاوشگر در دست تدوین می باشد.

از این شهر در بسیاری از منابع تاریخی دوران اسلامی سخن به میان آمده است؛ اما در برخی از ادوار اسلامی مانند قرون ۷-۸ه.ق اشارات منابع تاریخی محدودتر بوده و بیشتر به وقایع سیاسی آن پرداخته‌اند. بدین سبب اطلاعات اندکی در منابع تاریخی از وضعیت شهر در قرون ۷-۸ه.ق، موجود است که بتوان به آن‌ها پرداخت. علاوه بر این موارد شواهد باستان‌شناسی منتشرشدهٔ موجود در مورد سیرجان نیز بیشتر مرتبط با قبل از این قرون بوده و کمتر به این زمان پرداخته شده است. با توجه به این موارد و اطلاعات اندک منتشرشدهٔ موجود در مورد این دورهٔ شهر، هدف اصلی نویسندگان پژوهش حاضر بررسی و شناخت بیشتر قرون ۷-۸ه.ق شهر سیرجان می‌باشد. بر همین اساس ابتدا با بهره‌گیری از اشارات منابع تاریخی به بررسی جایگاه شهر در این دوره پرداخته می‌شود. سپس با کمک مطالعات‌میدانی باستان‌شناسی و بررسی مقایسه‌ای سفال‌های حاصل از کاوش و بررسی، نقش و جایگاه شهر سیرجان در قرون ۷-۸ه.ق ارزیابی می‌گردد.

---

[1] Gibbons.
[2] Kait Abote.
[3] Perey Molesworth Sykes
4 Gabriel
5 Andrew Williamson

۲. شهر قدیم سیرجان در قرون ۷-۸ه.ق با استناد به قراین تاریخی

از سیرجان در قرون اولیهٔ اسلامی همواره به‌عنوان حاکم‌نشین ولایت کرمان و بزرگ‌ترین شهر این ناحیه، یاد شده است (برای نمونه رک: ابن‌خرداذبه، ۱۳۷۱: ۳۸-۴۰؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۸؛ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۶۲؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱-۱۶۵؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۱). با توجه به اشارات متون تاریخی، سیرجان احتمالاً در قرون سه و چهار هجری یک بارو با هشت دروازه، دو بازار پررونق و یک مسجد جامع داشته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۶). بنا به اشارات تاریخی و منابع جغرافیایی کهن این شهر به‌واسطهٔ آنکه در این زمان مرکز ایالت کرمان محسوب می‌شده، برخی راه‌های مهم تجاری نیز به آن ختم شده است که از آن جمله می‌توان به راه اصطخر فارس به سیرجان و نیز راه سیرجان به بندر هرمز، اشاره کرد که در این میان هرمز بندرگاه ایالت کرمان نیز بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۱؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۶؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۲۶). نکتهٔ قابل‌توجه آنکه در هیچ‌یک از این متون اشاره‌ای به وجود قلعه یا دژی مستحکم در شهر نشده که خود نشان می‌دهد قلعه‌سنگ در این بازهٔ زمانی چندان موردتوجه نبوده است. از این شهر در متون جغرافیایی دورهٔ سلجوقی کمتر سخن به میان آمده، اما متون تاریخی در شرح برخی رویدادها به آن اشاره کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۲۹). سیرجان از این زمان به بعد دیگر با عنوان دارالملک یا حاکم‌نشین کرمان یاد نشده(۱) اما همچنان یکی از شهرهای معتبر این ولایت بوده است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۷). نکتهٔ قابل‌توجه آنکه از این زمان به بعد هرگاه منابع توضیحاتی را در مورد شهر بیان کرده‌اند، اشاره به قلعهٔ مستحکم آن نیز نموده‌اند؛ موضوعی که قبل از این دوره در منابع دیده نمی‌شود (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۶۰؛ حاتمی، ۱۳۸۰: ۳۹). با توجه به گفته‌های افضل‌الدین کرمانی مورخ قرن ششم هجری، چنین به نظر می‌رسد که این قلعه در قرن پنجم هجری توسط ملک ارسلان ساخته‌شده اما چند مرتبه به‌دلیل برخی جنگ‌های داخلی تخریب و مجدداً بازسازی شده است (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۴۲۶). از این زمان به بعد احتمالاً شهر قدیم سیرجان در پیرامون قلعه‌سنگ شکل و توسعه پیداکرده و به‌تدریج بافت کهن آن از رونق افتاده است. این احتمال وجود دارد که یکی از دلایل از رونق افتادن بافت کهن شهر از این زمان به بعد، وجود همین قلعهٔ مستحکم بوده که باعث شده ساکنان شهر برای در امان ماندن از حملات مختلف به اینجا نقل‌مکان کنند.

متأسفانه منابع تاریخی در مورد شهر سیرجان دورهٔ ایلخانی، اطلاعات بسیار اندکی بازگو کرده‌اند. این اطلاعات نیز عموماً در مورد وقایع سیاسی و نظامی رخ‌داده بین حاکمان مختلف بوده که بعضاً اشاراتی نیز به شهر شده است. بااین‌وجود و با استناد به همین منابع مشخص می‌شود که سیرجان در طول این دوره همچنان به حیات خود ادامه داده و به‌عنوان دومین شهر ایالت کرمان شناخته می‌شده است(حموی، ۱۹۹۵: ۸۷). علاوه بر این اشاره‌شده که شهر در پیرامون یک قلعهٔ مستحکم ایجاد و توسعه پیدا کرده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷۱). در مورد این قلعه حافظ ابرو مورخ قرن هشتم هجری، توضیحات دقیق‌تری بیان کرده و چنین اشاره می‌کند که این قلعه روی یک "سنگ بلند" ایجاد شده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ج۳، ص۱۶). هم‌چنین این قلعه حداقل دارای دو حصار یا باروی جدا از هم بوده که به قلعه بالا و پائین شناخته می‌شده است. قلعهٔ بالا به دلیل صعب‌العبور و مستحکم بودن تقریباً نفوذناپذیر بوده و در مواقع بحرانی بسیاری از اهالی شهر بدان پناه می‌بردند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ج۷، ص ۴۵۲۹). این شهر هم‌چنین به‌واسطهٔ داشتن قلعه‌ای مستحکم و نفوذ-ناپذیر حتی به مدت دو سال پناهگاه ترکان خاتون مادر یکی از حاکمان قراختائی شد که در این مدت شهر

محاصره بود ولی با جنگ تصرف نگردید (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۵۲؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۵۱). این مشخصات کاملاً با وضعیت و جایگاه فعلی قلعه‌سنگ یکسان است؛ زیرا این قلعه در اصل پیرامون و روی یک تک‌کوه کم‌ارتفاع یا یک صخره در میان یک دشت صاف و هموار با چند ردیف حصار مختلف، ایجاد شده است که در بخش دیگر مقاله بدان پرداخته می‌شود. نکتهٔ دیگری که باید در اینجا بدان اشاره شود محصولات تولیدی شهر در این زمان می‌باشد. با توجه به اشارات منابع تاریخی چنین به نظر می‌رسد که سیرجان در این زمان حداقل محصولاتی همچون غله، پنبه و خرما تولید می‌کرده که بعضاً این اجناس به سایر نقاط صادر می‌شده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷۱). با استناد به منابع تاریخی این‌طور می‌توان استنباط کرد که سیرجان در طول دورهٔ ایلخانی و از سال ۶۳۳ه.ق به بعد، عمدتاً به‌عنوان بخشی از قلمرو حکومت محلی قراختائیان کرمان محسوب می‌شده است (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۶۸)؛ اما در یک بازهٔ زمانی کوتاه به قلمرو حاکمان شبانکاره فارس اضافه شد که مجدداً در سال ۶۶۳ه.ق و به‌حکم اباقاخان ایلخانی به حاکم قراختائی اهدا گردید (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۱۹۲). نکتهٔ قابل‌توجه آنکه حاکمان شبانکاره در مدتی که بر سیرجان حکومت داشتند، قلعهٔ شهر را نیز به دلیل اهمیت مجدداً بازسازی کردند (همان). همین امر متوجه می‌سازد که این قلعه پیوسته در نظر حاکمان آن اهمیت ویژه‌ای داشته و حیات شهر به نحوی به‌آن بستگی داشته است. لازم به ذکر است که حکومت قراختائیان در سیرجان تا اواخر دورهٔ ایلخانی ادامه داشت و پس‌ازاین دوره شهر توسط حکومت آل‌مظفر و سپس حاکمان دیگر، اداره شد.

۳. شهر قدیم سیرجان در قرون ۷-۸ه.ق با استناد به شواهد باستان‌شناختی(یافته‌های سفالی)

در حال حاضر، شهر سیرجان یکی از شهرستان‌های واقع‌شده در جنوب‌غربی استان کرمان می‌باشد که از غرب و جنوب با دو استان فارس و هرمزگان نیز هم‌مرز است و شهر فعلی سیرجان نیز در مرکز آن قرار دارد. این شهر در دشتی صاف، هموار و حاصل‌خیز قرارگرفته و تنها ارتفاعات مهم در نزدیکی آن تک‌کوه کم‌ارتفاع (ارتفاع حدود ۵۰ متر) و نسبتاً صاف معروف به قلعه‌سنگ، می‌باشد (تصاویر ۱ و ۳). همان‌گونه که در بخش قبلی بدان اشاره شد نشانه‌های روند استقرارهای انسانی در سیرجان حداقل از دورهٔ تاریخی وجود دارد و در طول دوران اسلامی همواره به‌عنوان یکی از شهرهای مهم کرمان شناخته شده است. تاکنون به‌طور پیوسته، باستان-شناسان مختلفی به مطالعه، بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی این منطقه پرداخته‌اند که جدیدترین آن‌ها مطالعات امیرحاجلو در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی بوده است. یکی از اهداف اصلی مطالعات ایشان که بخشی از نتایج آن در پژوهش حاضر منعکس شده، روند تغییر و تحولات شهر در طول قرون مختلف تاریخی بوده است. ازاین‌روی تمامی محدودهٔ شهر قدیم و محیط پیرامونی آن بررسی پیمایشی گردید. بر پایهٔ این بررسی که بر اساس مطالعهٔ یافته‌های سفالی پراکنده در سطح منطقه بوده، چنین مشخص گردید که شهر حداقل از دورهٔ ساسانی به بعد در پنج بازهٔ زمانی جابجا شده که یکی از آن‌ها قرون ۵ تا ۱۰ه.ق بوده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۴: ۲۶). با توجه به مطالعاتی که روی سفال‌های منطقه صورت گرفته، چنین به نظر می‌رسد که شهر در این زمان به‌تدریج در محدودهٔ قلعه‌سنگ شکل‌گرفته و توسعه پیداکرده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۴). علاوه بر شواهد سفالی، یک سنگ‌نوشته نیز روی یکی از صخره‌های طبیعی آن وجود دارد که اشاره دارد در سال ۴۱۰ه.ق حمامی در آنجا ساخته شد (بلر، ۱۳۹۴: ۱۵۷). از همین زمان به بعد احتمالاً با استناد به منابع تاریخی،

قلعه‌ای پیرامون شهر ایجاد شده است. قلعه‌سنگ در حال حاضر متشکل از یک کوه حدود ۵۰ متری از جنس سنگ مرمر است که در جهت شمال‌شرقی_جنوب‌غربی قرار گرفته است و تقریباً بادامی‌شکل بوده و روی آن تا حدودی نیمه‌مسطح است(تصویر۴). در پیرامون این کوه دو ردیف حصار خشتی ایجاد شده که به نظر می‌رسد بعضاً در برخی نقاط مانند بخش جنوب‌غربی ارتفاع و ضخامت بیشتری دارند. روی کوه نیز شواهد بقایای زیاد معماری دیده می‌شود که خود نشان می‌دهد از این قسمت نیز در روزگاری استفاده شده است. نظر به وسعت زیاد قلعه‌سنگ که بالغبر ۴۰ هکتار بوده و نیز لزوم شناخت دقیق‌تر تغییر و تحولات آن در طول قرون ۵ تا ۱۰ و به‌ویژه قرون ۷-۸ه.ق، سطح محوطه با توجه به عارضه‌های طبیعی و انسانی به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم‌بندی گردید. بدین ترتیب هر بخش جداگانه مطالعه شده و یافته‌های سطحی آن بررسی شد. با توجه به این مطالعات که عمدتاً بر پایهٔ بررسی‌های مقایسه‌ای سفال‌های آن انجام شده، مشخص گردید که استقرار قرون ۵ و ۶ه.ق(۲) به‌صورت محدود بیشتر در بخش‌های غربی و جنوب‌غربی محوطه و نیز تا حدودی بر بالای کوه قرار داشته است. اما از قرن ۷ه.ق به بعد سراسر محیط پیرامونی قلعه‌سنگ و بر بالای تک‌کوه، سکونت جریان داشته است. از این زمان به بعد احتمالاً به‌جز استقرار در بالای تک‌کوه قلعه‌سنگ، در داخل دو ردیف حصار درونی و تقریباً دایره‌ای شکل نامنظم پیرامونی آن شواهدی از استقرار دیده می‌شود.

در طول بررسی پیمایشی قلعه‌سنگ، انواع مختلف سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار و نیز کاشی‌های مختلف، موردمطالعه قرار گرفتند که در این میان متنوع‌ترین آن‌ها ازلحاظ نوع تزئین، نمونه‌های مربوط به قرون ۷-۸ه.ق هستند. ازجمله شاخص‌ترین سفال‌های شناسایی‌شدهٔ این دورهٔ قلعه‌سنگ می‌توان به انواع سفال‌های با نقاشی زیرلعاب شفاف یا فیروزه‌ای با خمیرهٔ شبه‌چینی یا رسی‌نخودی مایل به قرمز، سفال‌های با تزئین سایه‌نما زیر لعاب فیروزه‌ای، برخی از گروه‌های معروف به سلطان‌آبادی،زرین‌فام، لاجوردی زرین‌فام، لاجوردینه، آبی و سفید و سلادن دورهٔ یوآن چین، اشاره کرد. علاوه بر این موارد دو نوع کاشی زرین‌فام و لاجوردی زرین‌فام متعلق به دورهٔ ایلخانی نیز در این محوطه شناسایی شده که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

با توجه به بررسی‌های سطحی محوطه و نیز محیط پیرامونی آن، چنین به نظر می‌رسد که احتمالاً بیشتر این سفال‌ها در محوطهٔ قلعه‌سنگ تولید شده و از جای دیگری بدین محوطه وارد نشده‌اند. بر همین اساس می‌توان به انواع سفال‌های با تزئین نقاشی روی لعاب محوطه شامل زرین‌فام، لاجوردی زرین‌فام و لاجوردینه با خمیرهٔ شبه‌چینی، اشاره کرد. تولید سفال زرین‌فام در بیشتر ادوار اسلامی ایران تداوم داشته که در این میان شاخص‌ترین آن‌ها مربوط به قرون ۶ تا ۸ه.ق می‌باشند *(Mason, 1997: 112)*. این سفال‌ها بر اساس ویژگی‌های تزئینی به ۱۰ گروه مختلف تقسیم‌بندی شده که هر گروه به یک دورهٔ زمانی خاص تعلق دارد *(Ibid, 116)*. در این میان سفال و کاشی‌های زرین‌فام این محوطه قابل‌مقایسه با نمونه‌های گروه ۸ تا ۱۰ می‌باشند که صرفاً متعلق به قرون ۷-۸ه.ق، هستند. اما سفال و کاشی لاجوردی–زرین‌فام و لاجوردینه صرفاً در طول دورهٔ ایلخانی تولید شده‌اند (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۹ و آلن، ۱۳۸۷: ۴۳)؛ در بررسی محوطهٔ قلعه‌سنگ نیز یک قطعه کاشی لاجوردی – زرین‌فام ستاره‌ای شکل و یک قطعه سفال لاجوردینه به‌دست‌آمده که تا حدودی مشابه نمونه‌های تخت‌سلیمان و برخی نمونه‌های به‌دست‌آمده از کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس هستند *(Danti, 2004, 33* و *Priestman, 2013: 608)*. در ارتباط با مراکز تولیدی این سفال‌ها تاکنون مباحث و نظریات

زیادی بیان شده، اما در جدیدترین این نظریات چنین بیان‌شده که کاشان تنها مرکز تولیدی این سفال‌ها در طول دورهٔ ایلخانی است*(Mason, 2004: 124 - 125)*؛ موضوعی که در مورد کاشی‌های زرین‌فام و لاجوردی – زرین‌فام، نیز صدق می‌کند(تصویر شماره۵).

گروه دیگری از سفال‌های دورهٔ ایلخانی این محوطه را نمونه‌های معروف به سلطان‌آبادی تشکیل می‌دهند که خود بر اساس ویژگی‌های تزئینی به چند گروه مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند (جهت آگاهی بیشتر رک: *Fehervari, 1973: 121 – 123* و *Lane, 1971: 12)*. در ارتباط با مراکز تولیدی این سفال‌ها تاکنون مباحث مختلفی بیان‌شده اما احتمالاً کاشان و منطقهٔ فراهان از مراکز تولیدی این سفال‌ها می‌باشند *(Pope, 1942: 1631* و *Watson, 2004: 373)*. سفال‌های سلطان‌آبادی قلعه‌سنگ شامل دو گروه اصلی خمیره شبه‌چینی و رسی می‌باشند. در سفال‌های خمیره شبه‌چینی بیشتر از رنگ سیاه و لاجوردی مشابه با گروه اول سلطان-آبادی، استفاده شده اما سفال‌های خمیره رسی از رنگ‌های سیاه و فیروزه‌ای برای تزئین استفاده کرده‌اند و کاملاً قابل‌مقایسه با نمونه‌های گروه ۳ب می‌باشند، تصویر (۶). گروه دیگری از سفال‌های دورهٔ ایلخانی قلعه-سنگ که احتمالاً در مرکز دیگری تولید شده‌اند، سفال سلادن می‌باشد. سلادن در اصل نوعی چینی محسوب می‌شود که لعابی در طیف رنگ سبز دارد *(Garner, 1959: 362)*. این سفال در قرون ۳ تا ۱۱ه.ق در چین تولیدشده و از آنجا به دیگر سرزمین‌ها صادر شده است(فیضی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). در این میان یکی از ادوار مهم تولیدی این سفال‌ها دورهٔ یوآن می‌باشد که هم‌زمان با دورهٔ ایلخانی است. سلادن‌های تولیدی این دوره عموماً به رنگ سبز روشن بوده، بسیاری از آن‌ها بدنهٔ خیاره‌ای شکل داشته و در برخی نمونه‌ها بخشی از رنگ خمیره قهوه‌ای مایل به نارنجی، می‌باشد (فیضی و مهجور، ۱۳۹۳: ۱۳۶ و *Priestman, 2005: 414)*. در محوطهٔ قلعه‌سنگ انواع مختلفی از سلادن‌های دورهٔ یوآن با لعاب سبز روشن به‌دست‌آمده که در برخی از آن‌ها تزئین نقش کنده یا قالبی به نقش ماهی وجود دارد. هم‌چنین بدنهٔ برخی از این سفال‌ها خیاره‌ای شکل بوده و در خمیرهٔ برخی از آن‌ها رنگ قهوه‌ای مایل به نارنجی نیز استفاده شده است (تصویر ۷).

گروه دیگری از سفال‌های شناسایی‌شدهٔ این دوره محوطه را نمونه‌های مختلف با تزئین نقاشی زیر لعاب و نیز سفال‌های معروف به سایه‌نما *(Silhouette)*، در بر می‌گیرد. تزئین نقاشی زیر لعاب با خمیرهٔ سفید شبه-چینی یا رسی و سایه‌نما با خمیرهٔ شبه‌چینی، از شاخص‌ترین شیوه‌های تزئینی سفال‌های دوران اسلامی ایران محسوب می‌شوند که از اواخر قرن ششم هجری به بعد، به‌ویژه قرون ۷-۸ه.ق، تولید و کاربرد آن رواج زیادی داشت (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۳۹ و *Fehervari, 1973: 95)*. سفال‌های با تزئین نقاشی زیر لعاب و سایه‌نمای دورهٔ ایلخانی قلعه‌سنگ را می‌توان به چند گروه مختلف تقسیم‌بندی کرد که شامل این موارد است: (تصویر ۸).

الف: نقاشی زیر لعاب شفاف دو رنگ سیاه و لاجوردی در گلابهٔ سفید با خمیرهٔ شبه‌چینی(امیرحاجلو، ۱۳۹۴)

ب: نقاشی زیر لعاب شفاف دو رنگ سیاه و فیروزه‌ای در گلابهٔ سفید با خمیرهٔ رسی نخودی مایل به قرمز

ج: نقاشی زیر لعاب فیروزه‌ای تک‌رنگ سیاه با خمیرهٔ شبه‌چینی(امیرحاجلو، ۱۳۹۴).

د: نقاشی زیر لعاب فیروزه‌ای تک‌رنگ سیاه با خمیرهٔ رسی نخودی مایل به قرمز

ه: تزئین سایه‌نما زیر لعاب فیروزه‌ای با خمیرهٔ شبه‌چینی

سفال‌های گروه الف، ج و ه عمدتاً در نیمهٔ اول قرن هفتم هجری تولید شده‌اند و در جدیدترین فرضیات احتمال داده‌شده که کاشان تنها مرکز تولیدی آن‌ها باشد *(Watson, 2004: 334)*. اما سفال‌های دو گروه دیگر

محوطه که از تکنیک ساخت و پرداخت پائین‌تری برخوردار هستند و صرفاً نقوش سادهٔ هندسی در آن‌ها به‌کار رفته، احتمالاً در مراکز متعددی تولید شده‌اند که شاید یکی از آن‌ها در محدودهٔ شهر قدیم سیرجان بوده باشد(امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۱۰۵). ازجمله دلایلی که این احتمال را قوت می‌بخشد شناسایی برخی فراورده‌های حاصل از کورهٔ سفال‌گری شامل انواع سه‌پایه و توپی می‌باشد که روی برخی از آن‌ها شره‌های لعاب فیروزه‌ای دیده می‌شود.

۴. نتیجه

با استناد به منابع تاریخی سیرجان یکی از شهرهای مهم ناحیهٔ کرمان از دورهٔ ساسانی به بعد محسوب می‌شده است. از این شهر به کرات در منابع ادوار مختلف تاریخی به‌ویژه قرون میانی اسلامی سخن به میان آمده است. با توجه به این اشارات شهر سیرجان در فاصلهٔ دورهٔ سلجوقی تا پایان دورهٔ تیموری، در پیرامون یک قلعهٔ مستحکم شکل گرفته که در حال حاضر معروف به قلعه سنگ می‌باشد؛ این در حالی است که تا قبل از این دوران، به‌هیچ‌روی منابع تاریخی اشاره به وجود چنین قلعه‌ای نکرده بودند. همین موضوع را می‌توان بر اساس شواهد باستان‌شناسی تأیید کرد به‌نحوی‌که شهر اوایل اسلام تا دورهٔ سلجوقی در نزدیکی روستای فعلی عزت‌آباد قرار داشت؛ اما از دورهٔ سلجوقی به بعد کم‌کم در محدودهٔ قلعه‌سنگ که حدود سه کیلومتری جنوب-غرب شهر کهن قرار داشت، شهر جدیدی با ویژگی شاخص داشتن قلعه‌ای مستحکم، شکل می‌گیرد. ایجاد این مرکز شهری جدید زمینه‌های زوال شهر کهن فراهم می‌شود به‌نحوی‌که دیگر پس از دورهٔ سلجوقی، هیچ استقرار دیگری در آن شکل نگرفت. اما از دوره سلجوقی بافت شهری جدیدی محوریت قلعه‌سنگ شکل می یابد؛ به‌طوری‌که این هسته شهری تا دورهٔ صفویه به حیات خود ادامه می‌دهد. سیرجان در طول دورهٔ ایلخانی زیر نظر حکومت قراختائیان و سپس در اواخر این دوره تا دورهٔ تیموری، زیر نظر حکومت آل‌مظفر اداره شده است. از روند تغییر و تحولات این شهر با استناد به متون تاریخی اطلاعات زیادی در دست نیست جز آنکه به‌کرات اشاره به نبردهای مختلف در آن شده که در بیشتر موارد قلعهٔ شهر عامل مهمی برای عدم تصرف آن گردیده است. همین امر باعث شده که از همان دورهٔ سلجوقی به بعد مکرراً این قلعه بازسازی شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهر در این دوره حداقل دارای دو حصار مختلف دورتادور کوه قلعه‌سنگ داشته که نفوذناپذیرترین قسمت آن در بالای این کوه نیمه مسطح و ۵۰ متری واقع بوده است. در کنار قراین تاریخی، بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کمک شایانی به مرتفع نمودن برخی ابهامات کرده است. بر پایه شواهد باستان‌شناختی، شهر در دورهٔ سلجوقی بیشتر در نیمهٔ شرقی و جنوبی قلعه شکل یافت، اما در طول دورهٔ ایلخانی احتمالاً دورتادور قلعه مورد استفاده ساکنین آن قرار گرفته است. هم‌چنین بامطالعهٔ سفال‌های این دورهٔ شهر که باهدف شناخت روابط تجاری این دوره صورت پذیرفت، چنین مشخص گردید که شهر در طول این دوره رونق زیادی داشته و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارتباطات تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با دیگر سرزمین‌ها داشته است. شاهد این موضوع استفاده از سفال‌های تولیدی مراکزی همچون کاشان، فراهان و چین در دورهٔ یوآن می‌باشد. نظر به اینکه هرمز همواره از اوایل اسلام به‌عنوان بندرگاه کرمان محسوب شده، این احتمال داده می‌شود که برخی کالاهای تولیدی چین از طریق این بندر وارد سیرجان و سایر نواحی کرمان شده است. علاوه بر این به دلیل رونق تجارت در این منطقه، کالاهای تولیدی نواحی شمالی ایران مانند

کاشان، ری و حتی فراهان، به‌صورت مستقیم یا واسطه‌ای به این شهر صادر شده باشد. در ارتباط با کالاهای تولیدی شهر در طول این دوره نیز می‌توان این‌گونه استنباط نمود که سیرجان به‌دلیل برخورداری از زمین-های حاصل‌خیز فراوان یکی از کانون‌های کشاورزی در زمینهٔ تولید غله و پنبه و نیز باغ‌داری در زمینهٔ تولید خرما، بوده است. علاوه بر این به‌دلیل نیاز ساکنان آن به استفاده از ظروف سفالی کم‌بهاتر، احتمالاً برخی سفال‌های لعاب‌دار با خمیرهٔ رسی، نیز در این بازهٔ زمانی در محوطه تولید شده است.

تشکّر و قدردانی

بر خویش لازم می‌دانیم از آقای دکتر سعید امیرحاجلو که با مناعت طبع و رعایت اخلاق حرفه‌ای، یافته‌های حاصل از کاوش و بررسی را در اختیار نویسندگان این سطور قرار دادند، کمال سپاسگزاری را داشته باشیم. بی‌تردید، انجام این پژوهش با یاری این بزرگوار و آقای دکتر حسین صدیقیان میسر نبود. دعای اهل صدق و معرفت همواره همراهشان باد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در همین ارتباط باید بیان شود که در زمان حکومت آل‌بویه و بنا به دلایل نامشخص کرسی کرمان از سیرجان به بردسیر منتقل شد که بردسیر در اصل همان شهر فعلی کرمان است (لسترنج، ۱۳۷۳: ۳۲۳).

۲. لازم به ذکر است که در طول دورهٔ سلجوقی یا قرون ۵-۶ه.ق، نه‌تنها شاهد شکل‌گیری استقرار در محدودهٔ قلعه‌سنگ هستیم، بلکه در محدودهٔ شهر کهن سیرجان که امروزه در کنار روستای عزت‌آباد واقع‌شده نیز شواهد تداوم استقرار از صدر اسلام تا پایان سلجوقی می‌باشیم. موضوعی که در کاوش‌های باستان‌شناسی ویلیامسون در این نقطه نیز بدان تأکید شده است *(Morgan & Leatherby, 1987: 31)*.

پیوست‌ها

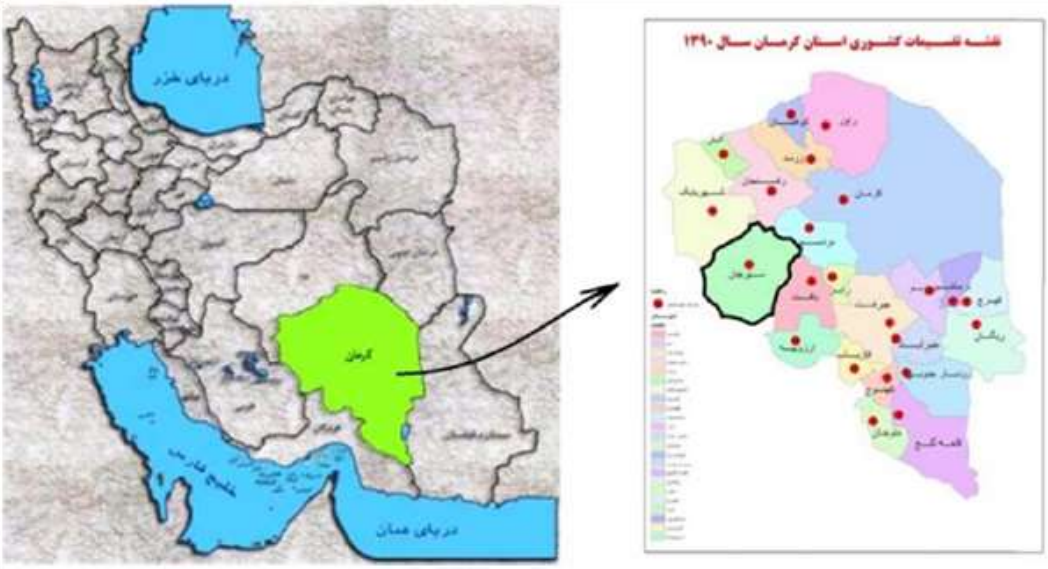

تصویر ۱: موقعیت استان کرمان در ایران (سمت چپ)، موقعیت شهرستان سیرجان در استان (سمت راست) (امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۲۵)

تصویر ۲: تصویر ماهواره‌ای از محدوده شهر قدیم سیرجان (بیضی) و محوطه قلعه سنگ در غرب آن (دایره) (منبع: *Google earth*)

تصویر ۳: تصویر ماهواره‌ای از قلعه سنگ در سال ۲۰۱۴ میلادی (منبع: *Google earth*)

تصویر ۴: نمای قلعه سنگ (امیرحاجلو: ۱۳۹۴: ۵۶)

تصویر ۵: قطعه سفال‌ها و کاشی‌های زرین‌فام، لاجوردینه و لاجوردی زرین‌فام محوطه قلعه سنگ (امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۵۸)

تصویر ۶: قطعه سفال‌های سلطان‌آبادی گروه ۱ و ۳ ب، محوطه قلعه سنگ(امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۶۱)

تصویر ۷: قطعه سفال‌های سلادون محوطه قلعه سنگ (امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۶۶)

تصویر ۸: قطعه سفال‌های نقاشی زیر لعاب محوطه قلعه سنگ (امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۷۳)

جدول مقایسه‌ای سفال‌های شهر قدیم سیرجان(امیرحاجلو،۱۳۹۴: ۹۷-۱۰۵)

	عکس سفال‌ها	طرح سفال‌ها	مقایسه	قدمت احتمالی
جدول (۱) مقایسه‌ی سفال‌های نقاشی زیر لعاب درزمینه‌ی سفید				
۱			میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۱۸۶- ۱۷۲، طرح ۲- ۴. کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۰، طرح ۲۷. کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۵۹- ۲۵۸، طرح و تصویر ۸۳	۷ - ۸ هـ‍ق
۲			میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۱۸۰- ۱۵۹- ۱۳۷، طرح ۳- ۷- ۱ *Rante & Collinet, 2013: 169, fig. 92- 2* موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۲۴۵، لوحه‌ی ۳۷، طرح شماره‌ی ۱۶	۷ - ۸ هـ‍ق
۳			کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۰، طرح ۲۸ موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۲۴۵، لوحه‌ی ۳۷، طرح شماره‌ی ۱۵ آلن، ۱۳۸۳: ۲۷	۷ - ۸ هـ‍ق
۵		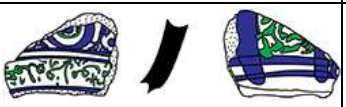	فهروری، ۱۳۸۸: ۳۶، تصویر شماره‌ی ۲۵	۷ - ۸ هـ‍ق
جدول (۲) مقایسه‌ی سفال‌های نقاشی زیر لعاب درزمینه‌ی فیروزه‌ای				
۱		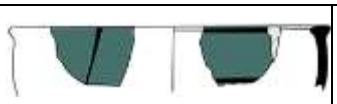	*Priestman, 2005: 403, fig. 92* میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۶۵- ۵۱- ۴۲، طرح ۱۱- ۱- ۶ *Bivar, 2000: 339, fig. 71- 100*	۷ - ۸ هـ‍ق
۲			میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۱۶۷، طرح ۱ *Watson, 2004, 393, Cat. Q.23*	۷ - ۸ هـ‍ق
۳			میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۱۸۳، طرح ۶ *Danti, 2004: 57, G.6*	۷ - ۸ هـ‍ق
۴			*Whitcomb, 2007: 38, fig. 5* زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۹، جدول شماره‌ی ۳، قطعات شماره‌ی ۹، ۱۰ و ۱۱ موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۰۹، شکل ۵۰، قطعه سفال شماره‌ی ۹۱ و ۹۳	۷ - ۸ هـ‍ق

۵			*Whitcomb, 2007: 38, fig. 5* زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۹، جدول شماره‌ی ۳، قطعات شماره‌ی ۹، ۱۰ و ۱۱ موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۰۹، شکل ۵۰، قطعه سفال شماره‌ی ۹۱ و ۹۳	۷ - ۸ هـ‌ق
جدول (۳) سفال‌های تولید محلی نقاشی زیر لعاب درزمینه‌ی سفید، سبز و فیروزه‌ای				
۱		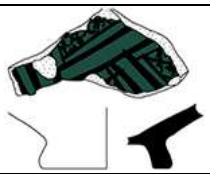		۷ - ۸ هـ‌ق
۲				۷- ۸هـ‌ق
۳				۷- ۸هـ‌ق
۴				۷- ۸هـ‌ق
جدول (۴) مقایسه‌ی سفال‌های نقاشی زیر لعاب سلطان‌آبادی گروه ۱				
۱			*Priestman, 2005: 408, fig. 129* *Bivar, 2000: 421, Pl. 103 (d)* موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۰۷، شکل ۴۵، قطعه سفال شماره‌ی ۶۲	۷- ۸هـ‌ق
۲			*Danti, 2004: 50- 48, fig. F. 4- F. 3- B. 5- B.4* *Whitcomb, 2007: 38, fig. 4* *Mason, 2004: 148, fig. 6. 4: ASH 58* *Watson, 2004: 388- 387- 385- 384- 383- 377, Cat. Q. 18- 16- 14- 12- 11- 4*	۷- ۸هـ‌ق
۳			*Whitcomb, 2007: 39- 38, fig. 4-2* *Watson, 2004: 382- 380- 379- 378, Cat. Q. 9- 7- 6- 5*	۷- ۸هـ‌ق

۴			*Bivar, 2000: 339, fig. 71- 100, 71- 102* *Whitcomb, 2007: 38- 39, fig. 2-4* *Watson, 2004: 382- 380- 379- 378, Cat. Q. 9- 7- 6- 5* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۲، طرح ۳۲- ۳۱	۷- ۸هـ‌ق
۵			*Danti, 2004: 50, F. 3* *Watson, 2004: 382- 380- 379- 378, Cat. Q. 9- 7- 6- 5* زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۷، جدول ۷، طرح ۲ *Haddon, 2011: 280, Fig. 1*	۷- ۸هـ‌ق
۶			*Whitcomb, 2007: 39, fig. 1* *Watson, 2004: 382- 380- 379- 378, Cat. Q. 9- 7- 6- 5* *Bivar, 2000: 419, Pl. 101 (c)* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۲، طرح ۳۲- ۳۱	۷- ۸هـ‌ق
۷			*Whitcomb, 2007: 39, fig. 1* *Watson, 2004: 382- 380- 379- 378, Cat. Q. 9- 7- 6- 5* *Bivar, 2000: 419, Pl. 101 (c)* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۲، طرح ۳۲- ۳۱	۷- ۸هـ‌ق

جدول (۵) مقایسه‌ی سفال‌های نقاشی زیر لعاب سلطان‌آبادی گروه ۳ ب

۱			*Bivar, 2000: 338, fig. 79- 825* *Bivar, 2000: 418, Pl. 100 (b)* میرزایی دمیرچی، ۱۳۸۳: ۲۴- ۱۳۸-۱۴۶، طرح ۲- ۵- ۲ *Whitcomb, 2007: 38, fig. 1* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۲، طرح ۳۲- ۳۱	۷- ۸هـ‌ق
۲			*Bivar, 2000: 338, fig. 79- 802* *Whitcomb, 2007: 38, fig. 1*	۷- ۸هـ‌ق
۳			*Bivar. 2000: 421, Pl. 103 (a)* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۱، طرح ۲۹	۷- ۸هـ‌ق

جدول (۶) مقایسه‌ی سفال‌های زرین‌فام

۱			*Danti, 2004: 50, F.2* *Watson, 2006 : 243- 242, fig. 23, 21* فهروری، ۱۳۸۸: ۶۰، تصویر شماره‌ی ۵۰	۶- ۸هـ‌ق

۲		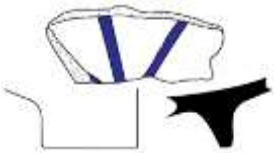	*Bivar, 2000: 414, Pl. 96 (a & f)* *Watson, 2006 : 232, fig. 2* *Mason, 2004: 153, fig. 6. 9, ROM. 27 & MMA. 58* فهروری، ۱۳۸۸: ۶۰، تصویر شماره‌ی ۵۰	۶- ۸هـ‌ق
۳			*Watson, 2004: 376- 351- 350; Cat. O. 7- 6- 5, Cat. Q. 3* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۵۷، طرح ۴۲ *Mason, 2004: 153, fig. 6. 9, ASH. 22* فهروری، ۱۳۸۸: ۶۰، تصویر شماره‌ی ۵۰	۶- ۸هـ‌ق
۴			*Watson, 2004: 376- 351- 350; Cat. O. 7- 6- 5, Cat. Q. 3* *Mason, 2004: 149, fig. 6. 5, Motif KL. 37* فهروری، ۱۳۸۸: ۶۰، تصویر شماره‌ی ۵۰	۶- ۸هـ‌ق
جدول (۷) مقایسه‌ی سفال‌های لاجوردینه				
۱			*Danti, 2004: 48, plate: B* *Watson, 2004: 377, Cat. Q.4* نعمتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹	۷ - ۸ هـ‌ق
جدول (۸) مقایسه‌ی سفال‌های لاجوردی زرین‌فام				
۱			*Bivar, 2000: 428, fig. e 74- 389, f 74- 481* *Priestman, 2013: 700, plate 107 FRIT. BL* نعمتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹	۷ - ۸ هـ‌ق
جدول (۹) مقایسه‌ی سفال‌های سلادون				
۱			*Priestman, 2005: 416, fig. 197*	۸ هـ‌ق
۲			*Priestman, 2005: 416, fig. 197*	۸ هـ‌ق
۳			*Priestman, 2005: 415, fig. 187- 185*	۸ هـ‌ق
۴			*Priestman, 2005: 415, fig. 187- 185*	۸ هـ‌ق
۵			*Priestman, 2005: 417, fig. 205- 204*	۸ هـ‌ق

۶		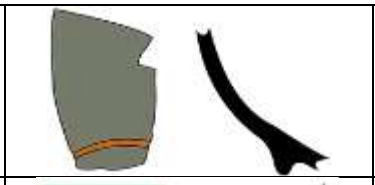	*Bivar, 2000: 425, fig. c 72-269* *Priestman, 2005: 145, fig. 188-189*	۶ - ۸ هـ‌ق
۷		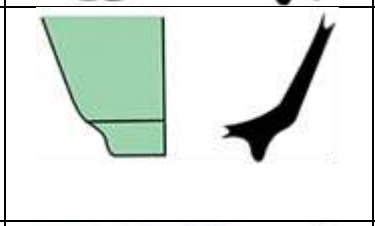	*Priestman, 2005: 419, fig. 219*	۸ هـ‌ق
۸		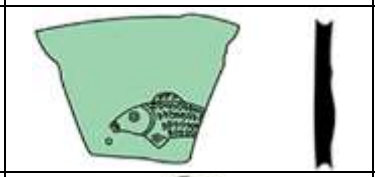	*Priestman, 2005: 141, fig. 181* کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۶- ۲۷۷، طرح ۹۲	۸ هـ‌ق
۹		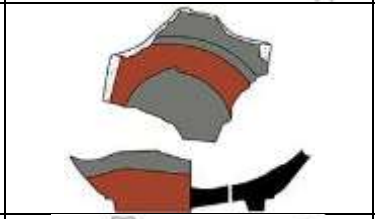	*Priestman, 2005: 414, fig. 179*	۸ هـ‌ق
۱۰			*Priestman, 2005: 416, fig. 197* *Bivar, 2000: 425, fig. b 72- 285*	۷ - ۸ هـ‌ق

منابع

آلن، جیمز ویلسن، (۱۳۸۷)، *سفالگری اسلامی از آغاز تا دوره ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد*، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۶۴)، *اخبار ایران از الکامل*، تصحیح و ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم

ابن حوقل، محمد، (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)*، ترجمه و توضیح: دکتر جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۱)، *مسالک و ممالک*، ترجمه: سعید خاکرند با مقدمه‌ای از آندره میکل، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۴۰)، *مسالک ممالک* (ترجمه فارسی مسالک الممالک)، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد، (۱۳۲۶)، *تاریخ افضل (بدایع الزمان فی وقایع کرمان)*، به کوشش مهدی بیانی،تهران: دانشگاه تهران.

افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد، (۱۳۵۶)، *عقدالعلی للموقوف الاعلی*، به تصحیح و اهتمام علی‌محمد عامری نائینی؛ مقدمه از باستانی پاریزی، تهران: روزبهان.

امیر حاجیلو، سعید، (۱۳۹۴)، *گزارش کاوش پیگردی و خوانا سازی شواهد معماری قلعه سنگ شهر قدیم سیرجان*، آرشیو سازمان میراث فرهنگی (منتشرنشده).

باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۶۵)، *پهلوان گرز هفده من (شاه منصور)*، چاپ دوم، تهران: نشر چکامه.
بلر، شیلا، (۱۳۹۴)، *نخستین کتیبه‌ها در معماری اسلامی ایران‌زمین*، ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
پوپ، آرتور آپم، (۱۳۸۷)، *سفال‌گری، خوشنویسی و کتیبه‌نگاری، از مجموعه سیری در هنر ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز*، ترجمه‌ی نجف دریابندری و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، جلد چهارم.
تتوی، قاضی احمد و قزوینی، آصف‌خان، (۱۳۸۲)، *تاریخ ألفی*، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد، ج۷، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
حاتمی ابوالقاسم، (۱۳۷۲)، «*بررسی، گمانه‌زنی و تعیین حریم سیرجان قدیم*»، *آرشیو سازمان میراث فرهنگی*، (منتشرنشده).
حاتمی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، «*گزارش ادامه‌ی بررسی و گمانه‌زنی شهر قدیم سیرجان (تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آن)*»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، (منتشرنشده).
حاتمی، ابوالقاسم، (۱۳۷۴)، «*بررسی تحلیلی باستان‌شناسی سیرجان قدیم از اوایل اسلام تا دوره‌ی تیموری*»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر سوسن بیانی، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشرنشده).
حاتمی ابوالقاسم، (۱۳۷۶)، «*مساجد گم‌شده در سیرجان قدیم*»، مجموعه مقالات اولین همایش معماری مسجد، گذشته، حال و آینده، جلد اول، تهران، دانشگاه هنر، صص: ۷۳- ۸۰
حاتمی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، *سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی*، کرمان، انتشارات مرکز کرمان شناسی.
حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو*، محقق و مصحح: صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب.
مؤلف ناشناس، (۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش: دکتر منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
حموی، یاقوت، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
خواند میر، غیاث‌الدین همام‌الدین حسینی، (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران: کتابخانه خیام.
سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶)، *ده هزار میل در ایران*، ترجمه: حسین سعادت نوری، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن‌سینا.
زارعی، محمدابراهیم و دیگران، (۱۳۹۳)، *بررسی و مطالعه سفال‌های ایلخانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود*، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲.
فهروری، گزا، (۱۳۸۸)، *سفال‌گری جهان اسلام در موزه‌ی طارق رجب کویت*، ترجمه‌ی مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی
فیضی، مهسا، (۱۳۹۱)، *بررسی سفالینه‌های سلادن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، منتشرنشده.
فیضی، مهسا و فیروز مهجور، (۱۳۹۳)، " *ورود نخستین سلادون‌های گونه‌ی یوئه به ایران و الگوی پراکنش آن در مناطق ساحلی و داخلی ایران در قرون اولیه اسلامی*"، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۱۳۶.
کریمی، فاطمه، کیانی، محمد یوسف، (۱۳۶۴)، *هنر سفالگری دوره اسلامی*، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
گابریل، آلفونس، (۱۳۴۸)، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه: فتحعلی خواجه‌نوری، تصحیح دکتر هومان خواجه‌نوری، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
لسترنج، گای، (۱۳۷۳)، *سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه: محمود عرفان، تهران: چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی.
مقدسی، محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران.
مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۶)، *نزهه القلوب*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: حدیث امروز.
منشی کرمانی، ناصرالدین، (۱۳۲۸)، *سمط العلی للحضره العلیا*، اقبال، تهران: اقبال.
موسوی حاجی، سید رسول، عطایی، مرتضی، (۱۳۸۹)، *مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان*، زاهدان: اداره کل روابط عمومی، امور فرهنگی و اجتماعی- اداره برنامه‌ریزی نشر و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
مؤلف ناشناس، (۱۳۵۵)، *تاریخ شاهی قراختائیان*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

میرزایی دمیرچی، فرنگیس، ۱۳۸۲، *بررسی و گمانه‌زنی تپه کشاورز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (منتشرنشده).

نعمتی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۸)، "*بررسی سفال‌های محوطه‌ی اسلامی ذلف آباد فراهان، استان مرکزی (فصل اول کاوش)*"، مجله باستان‌شناسی ایران، شماره ۳، ص ۱۱.

ورجاوند، پرویز (۱۳۵۱)، *قلعه‌سنگ سیرجان و آتش‌دان سنگی آن*، مجله بررسی‌های تاریخی، ش۳، دوره ۷، صص ۱۰۱ – ۱۰۹.

وزیری، احمدعلی، (۱۳۴۰)، *تاریخ کرمان(سالاریه)*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: شرکت سهامی کتاب ایران.

وزیری، احمدعلی، (۱۳۷۶)، *جغرافیای کرمان به‌ضمیمه دهات کرمان*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: آثار و مفاخر فرهنگی.

ویلیامسون، اندریو، (۱۳۵۱)، *تجارت خلیج‌فارس در دورهٔ ساسانیان و در قرن اول و دوم هجری*، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، دوره ۹-۱۰، صص ۱۴۲ – ۱۵۶.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۴۲)، *البلدان*، ترجمه دکتر محمد آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

Bivar, A.D.H., 2000. Excavathions at Ghubayra¸ Iran¸ London.

Danti, M., 2004, The Ilkhanid Heartland: Hasanlu Tepe (Iran) Period I, University of Pennsylvania Museum.

Fehervari, G., 1973. Islamic Pottery: A Comprehensive Study Based on the Barlow Collection, Faber and Faber, London.

Garner, H., 1959. Chines Celadon Wares, the Burlington Magazine, Vol101, pp 64 – 67.

Haddon, R., and A., Wade, 2011. What Is Mamluk Imitation Sultanabad?, London, Alrafidan, Vol 32.

Lane, A., 1971. Later Islamic Pottery: Persia' Syria' Egypt & Turkey .Faber and Faber, London.

Mason, R., 1997. Mediaeval Iranian Luster Painted and Associated Wares: Typology in A Multidisciplinary Study, Iran, Vol 35, pp103-135.

Priestman, S., 2005. Settlement and Ceramics in Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection, M.A. Thesis, Department of Archaeology, University of Durham

Mason, R., 2004. Shine like the Sun, Mazda Publishers.

Morgan, P.,& Leatherby, J.,1987. Excavated Ceramics From Sirjan, in Syria and Iran: Three Studies in Medieval Ceramics, Oxford University Press.

Rante, R.m & A., Collinet, 2013. Nishapur Rivisited Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez, Oxbow Books, Oxford, UK.

Treptow, T., & Whitcomb D., 2007. Daily Life Ornamented The Medieval Persian City of Rayy, University of Chicago.

Priestman, S., 2013. A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean. Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, University of Southamotion.

Pop, A. U., 1942. A Survey of Persian Art, Vol IV, Tehran: Soroush Press.

Watson, O., 2004. Ceramics from Islamic Lands, Thames and Hodson, London.

Watson, O., 2006. Sifting Ssands, Reading Signs, Studies in Honour of Professor Geza Fehervari, Furnace Publishing, London.